

سناریوی پسا جنگ فرسایشی

ایران در پاسخ به ۳ دور تجاوز آمریکا، ۳ پایگاه آمریکا در منطقه را با رویکردی متقارن و متناسب هدف قرار دارد. آمریکا، هیچ زیر ساخت مهم مرتبط با تنگه هرمز یا توان تهاجمی ایران در دریا را مورد اصابت قرار نداده؛ متقابلا ایران تجهیزات و زیر ساخت هایی را که آمریکا به تازگی وارد منطقه کرده و قصد داشت در آینده نزدیک به آن ها حمله کند، در دو کشور حاشیه خلیج فارس با موفقیت منهدم کرد. طی شب های اخیر حمله ایران به اسرائیل، پاسخ رژیم به ایران، حملات آمریکا به جنوب ایران و پاسخ های ایران به آمریکا همگی دارای یک ویژگی مشترک بودند؛ احتیاط، پرهیز از جنگ تمام عیار و تلاش برای رد نشدن از آستانه جنگ؛ اما چرا هر ۳ بازیگر، این احتیاط را دارند؟ آمریکا در هفته دوم جنگ با درک این نکته که در تغییر رژیم شکست خورده، جنگ تاب آوری را با نیت تحمیل خواسته های هسته ای، منطقه ای و موشکی خود به ایران آغاز کرد. ایران هم به دلایلی واقع بینانه به این درک رسیده که نابودی دشمن صهیونیستی در مقطع فعلی در دسترس نیست و جنگ با آمریکا هم که از اساس موجودیتی نبود. لذا ایران هم رویکرد جنگ ترکیبی نظامی، اقتصادی را به صحنه آورد تا طرف مقابل تسلیم خواسته های ایران از جمله مدیریت تنگه هرمز، رفع تحریم ها و خروج از منطقه شود. اگر این منظومه تحلیلی را بپذیریم، تحمیل اراده به طرف مقابل یا با جنگ تاب آوری ممکن است یا با جنگ تمام عیار زیر ساختی. به دلایل روشن هر دو طرف جنگ، فعلاً نبرد فرسایشی با هدف کم آوردن طرف مقابل را انتخاب کرده اند. لذا به رغم زد و خورد های سنگینی که طی شب های گذشته صورت گرفت، آتش بسی همچنان از نظر همه طرف ها پابرجاست! این معادله زمانی تغییر می کند که یا نفس یک طرف بریده شود یا از تسلیم طرف مقابل ناامید شود. در آن زمان احتمالاً باید منتظر جنگی کوتاه مدت ولی پر شدت و زیر ساختی باشیم.

یادداشت



سیدرضی عمادی
info@khorasannews.com

فیفا هنوز تصمیم گیرنده است؟

جام جهانی فوتبال قرار است از امروز رسماً به میزبانی سه کشور آمریکا، مکزیک و کانادا آغاز شود. با این حال، این جام جهانی تاکنون بیش از همه تحت تأثیر سیاست های مهاجرتی دولت آمریکا قرار گرفته است. جام جهانی فوتبال رویدادی کاملاً جهانی است؛ یعنی قرار است بهترین بازیکن، مربی، داور، خبرنگار و هوادار از همه جای دنیا بتوانند در آن مشارکت کنند. دولت آمریکا که میزبان اصلی جام جهانی ۲۰۲۶ است، با تکیه بر سیاست های مهاجرتی و امنیتی خود، عملاً جهانی بودن جام جهانی و غیر سیاسی بودن آن را زیر سوال برده است. اما فیفا در حالی هیچ واکنشی به سیاست ها و رفتار های نژادپرستانه دولت آمریکا نشان نداده است که موارد متعددی در گذشته وجود داشته که واکنش فیفا و محرومیت برخی کشور ها از مشارکت یا برگزاری جام جهانی را در پی داشته است. روسیه به دلیل جنگ علیه اوکراین، توسط فیفا از فرایند انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر حذف شده بود. در سال ۲۰۲۳، پس از آنکه مقامات محلی اندونزی اجازه حضور تیم اسرائیل را ندادند، فیفا میزبانی جام جهانی زیر ۲۰ سال را از اندونزی گرفت. اکنون، اما فیفا در مقابل دخالت بیش از اندازه دولت آمریکا در امر برگزاری جام جهانی ناتوان نشان می دهد. برخی البته بر این باور هستند که روابط نزدیک جانی اینفالتینو، رئیس فیفا و دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا سبب شفافیت و حساسیت های سیاسی را کمتر برجسته کند و هیچ واکنشی به محدودیت های اعمال شده از سوی دولت آمریکا نشان ندهد. سیاسی شدن جام جهانی فقط در حد شعار یا سخنرانی نیست، بلکه در سطح اجرایی رخ داده است و جام جهانی فوتبال دیگر صرفاً یک رقابت ورزشی نیست بلکه به صحنه ای برای اعمال قدرت و تغییرات تبدیل شده و فیفا نیز اسیر استانداردها دو گانه شده است؛ زیرا وقتی کشور هایی مانند اندونزی یا دیگر دولت ها در تعارض با قواعد فیفا قرار می گیرند، برخورد سریع است، اما در برابر آمریکا هیچ واکنشی دیده نمی شود! باز گرداندن یک داور، فقط یک اتفاق فردی نیست؛ نمادی است از این که فیفا در برابر قدرت دولت میزبان تا چه حد ناتوان است. شاید هم این ناتوانی برون داد جایزه صلیبی باشد که اینفالتینو در مراسم فرعه کشی جام جهانی ۲۰۲۶ به ناحق به رئیس جمهور آمریکا داده است. رئیس جمهوری که دستش به خون مردم غزه، لبنان، یمن و ایران آغشته است و توسط رئیس فیفا جایزه صلح می گیرد، اکنون نیز سیاست های خود را بر فیفا تحمیل می کند و استقلال آن را زیر سوال می برد.

وقاحت کویتی

با گردنکشی و گستاخی بی حد و حصر کویت، آسیب پذیرترین کشور خلیج فارس در مقابل ایران چه کنیم؟



وارد ده در جنگ خبر داده بود؛ کشوری است که بنا به ارزیابی شاخص V&P، با وجود دارایی عظیم در صندوق ثروت ملی خود، چشم انداز مثبتی برای توسعه اقتصادی اش در آینده مشاهده نمی شود؛ چرا که اعتماد به سرمایه گذاری در این کشور به پایین ترین سطح خود از دوره همه گیری کرونا رسیده و پیش بینی شده کسری بودجه سال مالی ۲۰۲۹-۲۰۲۸ به ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی اش برسد. مخلص کلام این که کویت پاشنه آشیل های بسیاری دارد و هر چند پشتش به حمایت عربستان در تأمین مایحتاج معیشتی مردم و دلش به آمریکا، بریتانیا، ایتالیا و سایر کشورهای غربی در حمایت نظامی-دفاعی خوش است، اما تاریخ چند دهه گذشته اش و تجربه روابط چندماده اخیر نشان داده است زبان بلند و قاطع-چه در عرصه دیپلماتیک و چه در میدان-تنه راه نشاندن این دولتک شیخ نشین عربی بر سر جایش است. حکومت آل صباح نشان داده بنایی بر احترام به همسایه خود و رعایت همان اصولی که از آن دم می زند ندارد و با هر زبان ممکن این را اعلام و اعلان کرده است. فلذا هر چند باید برای حفظ روابط و جلوگیری از انقطاع آن تلاش کرد، لکن باید توجه داشت ادامه روابط با همسایگان هدف نیست، بلکه وسیله ای برای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران عزیز مان است.

موضوع (احداقل در فضای عمومی که شاهد هستیم)، دولت کویت روز پنج شنبه ۲۱ خرداد را برای محاکمه آن ها-آن هم در دادگاه کفری-تعیین کرده است و چندان دور از انتظار نیست که در روز های آینده شاهد انتشار تصاویر دادگاهی نا عادلانه برای اعضای نیروی دریایی سپاه باشیم که دولت کویت برای تکمیل پازل ایران هراسی و دشمن ساز ایران از آن بهره ها ببرد. همان طور که با ایجاد کمپین رسانه ای و در همراهی خبرگزاری های جریان اصلی مانند رویترز، انگشت اتهام را در حادثه اخیر انفجار فرودگاه به سمت ایران نشان نه رفت و در ارتباط حادثه با ایران را تنها تلاش تهران برای دروغ گویی قلمداد کرد. در پی همین حادثه نیز کاردار کشورمان را احضار و دو تن از دیپلمات های سفارتمان را با ضرب بالا جل ۲۴ ساعته از کویت اخراج نمود. جالب تر اما، وضعیت داخلی کویت است. کویت کشوری است که به ادعان تحلیلگران و ستون نویسان خود، حتی تعویض نام یک خیابان با اسفالت کردن یک کوچه در آن روز ها و هفته ها به طول می انجامد؛ کشوری است که هنوز آثار جنگ دهه ۹۰ میلادی در آن هویداست؛ کشوری است که پس از شروع آتش بس، دیر تر از سایر همسایگان در خلیج فارس پرواز هایش را از سر گرفت و تنها دو روز پیش از حمله به ترمینال یک فرودگاه بین المللی اش در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۴۰۵ بود که با حضور مقامات رسمی، از افتتاح همان ترمینال پس از بازسازی مسلح های

را شدت بخشیده و هر روز گامی فراتر از پیش گذاشته است. تعداد قابل توجهی از ایرانیان از زمان آغاز جنگ رمضان توسط دولت کویت با اتهامات واهی مانند قرار دادن عکس رهبری شهید در پروایل حساب کاربری مجازی شان از کویت اخراج و برخی با برخورد های خشن و ضرب و شتم مواجه شده اند و برخی اموال شان مصادره شده است. نگاهی به فضای رسانه ای و محتویات روز نامه های این کشور هم آینه تمام نمای رویکرد خصمانه کویت است. روز نامه پر خواننده الحریده کویت، سرفصل ثابتی با عنوان «العدوان الایرانی» (تجاوز ایران) می داند (آن هم به طور عمده از طریق دریا که لاجرم باید از تنگه هرمز عبور کند، طبیعتاً اکنون در وضعیت سختی از نظر تأمین مایحتاج و کنترل قیمت ها قرار دارد؛ اما آنچه در رفتار این کشور ک خلیج فارس هویداست، گردنکشی و گستاخی بی حد و حصر در مقابل جمهوری اسلامی ایران است؛ رفتار هایی که نشان می دهد دولت کویت به پشت گرمی حامیانش و پیرو سیاست دنباله روی (Bandwagoning) از قدرت های بزرگ، آشکارا مشی تقابلی را پی گرفته و خود را در محور آمریکایی-صهیونیستی در منطقه تعریف کرده است. بنا به بیانیه های متعدد قرارگاه خاتم، کویت مبدأ بسیاری از حملات به کشورمان طی جنگ تحمیلی سوم بوده است؛ حقیقتی که آن را در اظهارات متناوب مقامات آمریکایی شامل خود ترامپ، فرمانده سنکتام، وزیر جنگ و وزیر خارجه آن کشور در نام بردن از تک تک پنج کشور متخاصم خلیج فارس از جمله کویت و قدر دانی از همراهی آنان نیز می توان دید. هر چند دولت کویت دائماً بر اصول به اصطلاح حسن همجواری! تأکید دارد و خود را از هر گونه مسئولیتی در قبال حملات به ایران تبرئه می سازد، در عین حال هرگز نسبت به سخنان مقامات آمریکایی واکنش و رد و تکذیبیه ای نداشته است. در چنین شرایطی کویت، نه فقط در دوره جنگ که در شرایط توقف درگیری ها نیز مبدأ حملات ناقض آتش بس بوده، روند تقابلی اش نسبت به جمهوری اسلامی

معادله سازی تهران در غرب آسیا چگونه ایران قواعد خود را تثبیت کرد؟

بر این باور بودند که فشار های اقتصادی، تحریم ها و ملاحظات داخلی، توان تصمیم گیری ایران برای ورود مستقیم به بحران های منطقه ای را محدود کرده است. بر همین اساس تصور می شد تهران ترجیح می دهد از طریق متحدان خود واکنش نشان دهد و از درگیری آشکار با رژیم صهیونیستی پرهیز کند. روز نامه الاخبار لبنان نوشته است که تحولات اخیر این فرضیه را با چالش جدی مواجه کرد. پاسخ موشکی ایران نشان داد که تهران در برخی شرایط آماده است فراتر از الگوهای گذشته عمل کند. این اقدام نه در سطح یک پاسخ کاملاً نمادین بود و نه به معنای آغاز جنگی فراگیر؛ بلکه بیشتر تلاشی برای ترسیم مرز های جدید بازدارندگی به شمار می رفت. در این چارچوب، ایران این پیام را منتقل کرد که هر گونه گسترش دامنه عملیات اسرائیل علیه لبنان یا عبور از خطوط قرمز تعیین شده، می تواند واکنش مستقیم تهران را به دنبال داشته باشد. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند هدف اصلی ایران نه گسترش جنگ، بلکه تغییر محاسبات طرف مقابل بوده است.

تأثیر تنش ها بر روابط واشنگتن و تل آویو

یکی از مهم ترین ابعاد این بحران، آشکار شدن اختلاف نگاه میان آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره آینده تنش ها بود.

اگر چه تل آویو همواره بر حمایت راهبردی واشنگتن تکیه داشته است، اما رخداد های اخیر نشان داد آمریکا تمایل چندانی به ورود به یک جنگ گسترده منطقه ای ندارد.

بسیاری از ناظران معتقدند نتانیاهو بدون هماهنگی با واشنگتن قادر به اتخاذ تصمیمات بزرگ نظامی نیست، زیرا بخش مهمی از توان بازدارندگی و ظرفیت جنگی اسرائیل به حمایت های سیاسی، مالی و نظامی آمریکا وابسته است. با این حال، در جریان بحران اخیر شکاف میان تمایل اسرائیل برای تشدید فشار ها و احتیاط آمریکا در برابر گسترش جنگ بیش از گذشته نمایان شد. این وضعیت سبب شد تهران بتواند از فضای موجود برای افزایش فشار سیاسی بر تل آویو استفاده کند. در واقع هر چه آمریکا نسبت به جنگ فراگیر محتاط تر عمل کند، آزادی عمل اسرائیل نیز محدود تر خواهد شد؛ موضوعی که در تحلیل های رسانه های منطقه ای بارها مورد اشاره قرار گرفته است.

خروج ایران از رویکرد صرفاً دفاعی

بسیاری از رسانه های عربی معتقدند مهم ترین تحول اخیر، تغییر تدریجی رویکرد ایران از بازدارندگی صرفاً دفاعی به بازدارندگی فعال و تهاجمی بوده است. این

رسانه ها از جمله النشره تأکید دارند تهران دیگر تنها به واکنش پس از وقوع تهدید اکتفا نمی کند، بلکه تلاش دارد از طریق نمایش قدرت نظامی، طرف مقابل را از انجام برخی اقدامات بازدارد.

در این چارچوب، حمله موشکی ایران به عنوان اقدامی پیش دستانه در حفظ قواعد آتش بس لبنان ارزیابی شد. چنین رویکردی به باور تحلیلگران می تواند موجب شکل گیری معادلاتی شود که فراتر از لبنان، دیگر جبهه های منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین این تحول موجب تقویت جایگاه ایران در میان محور مقاومت شده است. بسیاری از گروه های همسو با تهران این اقدام را نشانه ای از آمادگی ایران برای حمایت عملی از متحدان خود دانسته اند؛ موضوعی که می تواند بر روند تحولات آینده منطقه اثر گذار باشد.

اعتراف رسانه های صهیونیستی به ناکامی راهبردی

تحلیلگران امور نظامی-امنیتی رژیم ونویسنده ارشد امور امنیتی در روزنامه یدیعوت آحارانوت از جمله کسانی است که تمرکز زیادی روی تحولات ایران دارد. به اعتقاد این تحلیلگر،

تل آویو نه توانست جنگ را گسترش دهد، نه موفق شد آمریکا را با خود همراه کند و نه توانست ایران را از واکنش مستقیم بازدارد. در مقابل، تهران توانست خود را به عنوان بازیگری معرفی کند که قادر است بر روند تحولات تأثیر بگذارد و قواعد جدیدی را به طرف مقابل تحمیل کند.

بخشی از رسانه های اسرائیلی حتی از آسیب دیدن بازدارندگی این رژیم سخن گفتند. آن ها معتقدند رخداد های اخیر نشان داد تهدیدات اسرائیل دیگر مانند گذشته تأثیر قطعی ندارد و طرف مقابل نیز آمادگی بیشتری برای پاسخگویی پیدا کرده است.

حرف مردم

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۰۰
۰۹۳۳۵۳۲۶۸۹۱

ستون «حرف مردم» انعکاس دهنده صادق حرف های شماست.

■ تا وقتی تورم دورقمی و سه رقمی وجود داشته باشد، کالا برگ مشکلی روحل نمیکنه. برداشت غیر مستقیم از جیب مردم و متوقف کنین، کسی به یارانه و کالا برگ نیازی نداره. مذاکره مدنظر نتانیاهو و ترامپ همان تسلیم است! درکش سخت نیست، ترامپ تحریم بر دار نیست و دنبال نفت ایران است و با پول مسدود شده خودمان دار دبا ایران معامله می کند؛ بدون این که از جیب خودشان بذل کنند.

■ همیشه برای گرانی تا دل تن بخواد بهانه های جور و جور هست اما دریغ از یک بهانه برای کاهش قیمت ها!! این همه جنس در بازار هالتنبار شده و داره خاک می خوره اما دریغ از یه ذره همت دولت برای افزایش رقم کالا برگ.

■ اگر به نام هسان سازی حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران باز هم دریافتی ها با تورم جامعه همخوانی نداشته باشد، قطعاً فشار های اقتصادی بر دوش این اقشار باقی خواهد ماند.

■ وقتی کشور در گیر جنگه، دسترسی به منابع و درآمدها سخت تر می شه و ورود کالا به بنادر هم به مشکل بر می خوره. از طرفی باید خسارت های جنگ و هم در نظر گرفت؛ چون اولویت حکومت میره سمت تعمیر و بازسازی خرابی ها و طبیعیه که بودجه کمتری برای رفاه مردم باقی می مونه. واقعاً چطور می شه هم جنجید و هم رفاه داشت؟ شاید مهم ترین کار برای بهبود رفاه مردم، حذف کمر ندها های اضافی و موازی از بودجه عمومی باشه.

■ امیدواریم در این دوره حساس و تاریخی از عاقل ترین عاقلان دلسوز و کاردان ایران استفاده شود تا سپاه روز نشویم... از این مدل زورگویی آمریکا باید عاقلانه و ظرفیت عبور کنیم و کشور را به باد بندھیم.

■ شتر در خواب بیند پنبه دانه؛ به قول رهبر شهیدمان، باید به ترامپ گفت گنده تر از تو هم نتوانستند، تو هم نمی تونی از این غلط های اضافی کنی، زیاد به حنجره ات فشار نیار.

■ تاریخ قضاوت خواهد کرد کدام عامل باعث سر بلندی و عزت ایران شد و کدام یک عامل بدبختی و....

احیای ایده «وحدت جبهه ها»

یکی دیگر از نتایج مهم این بحران، برجسته شدن دوباره مفهوم پیوند جبهه های مقاومت بود. ایران سال ها بر ضرورت هماهنگی میان جبهه های مختلف از لبنان و فلسطین گرفته تا یمن و عراق تأکید کرده است.

اکنون حتی برخی رسانه های صهیونیستی نیز اذعان می کنند که تحولات اخیر باعث شد پیوند میان جبهه های مختلف مقاومت بار دیگر تقویت شود. به عبارت دیگر، اقدامی که قرار بود صرفاً در لبنان باقی بماند، به بحرانی گسترده تر تبدیل شد و ابعاد منطقه ای پیدا کرد.

این مسئله برای تل آویو از آن جهت نگران کننده است که هر گونه درگیری در یک جبهه می تواند به سرعت سایر جبهه ها را نیز فعال کند و هزینه های امنیتی را افزایش دهد. **توان موشکی ایران؛ عامل نگرانی جدید** در کنار پیامدهای سیاسی، توان موشکی ایران نیز مورد توجه گسترده محافل نظامی قرار گرفت. برخی فرماندهان و کارشناسان پیشین اسرائیلی با ابراز شگفتی از سرعت بازبایی توان نظامی ایران، تأکید کردند که تهران توانسته در مدت زمانی نسبتاً کوتاه بخشی از ظرفیت های خود را بازسازی کند. به باور آن ها، حملات اخیر نشان داد ایران همچنان از توانایی قابل توجهی برای اجرای عملیات موشکی برخوردار است و این موضوع می تواند محاسبات امنیتی اسرائیل را پیچیده تر کند. سرعت احیای این توانمندی ها و حفظ ظرفیت عملیاتی، از جمله نکاتی بود که مورد توجه رسانه ها و مراکز مطالعاتی قرار گرفت.